

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران

دانشکده ارتباطات

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد علوم ارتباطات گرایش تحقیق در ارتباطات

بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در سریال «فاصله‌ها»

دانشجو:

سجاد فرجی

استاد راهنما:

دکتر عبدالله گیویان

استاد مشاور:

دکتر نعمت‌الله فاضلی

بهار ۹۲

تقديم به مادرم

... زندگی ملال آور است اگر داستانی نباشد که به آن گوش دهی یا چیزی که تماشا کنی. بچه که بودم اگر از پنجره، خیابان، ره گذرها و یا آپارتمان روبه رو را تماشا نمی کردیم به رادیو گوش می دادیم که مجسمه سگ چینی کوچکی روی آن به خواب ابدی فرو رفته بود. آن وقت ها در سال ۱۹۵۸ در کشور ما تلویزیون نبود ولی ما هیچ وقت به روی خودمان نمی آوردیم که تلویزیون نداریم با خوش بینی می گفتیم: «هنوز نرسیده»- درباره فیلم های افسانه ای هالیوود هم، که چند سالی طول می کشید تا به استانبول برسند، همین را می گفتیم. مردم چنان عادت کرده بودند از پنجره بیرون را تماشا کنند که وقتی بالاخره تلویزیون به شهر ما رسید طوری تلویزیون تماشا می کردند که انگار داشتند بیرون را تماشا می کردند. پدرم، عمویم و مادربزرگم بی آنکه به هم دیگر نگاه کنند، جلوی تلویزیون حرف می زدند و چیزهایی را که می دیدند برای هم تعریف می کردند، درست مثل مواقعی که از پنجره مشغول تماشای بیرون بودند...<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. «آدم های مشهور»، اورهان پاموک به ترجمه مزده دقیقی.

## چکیده

پژوهش حاضر با هدف ترسیم کیفیت بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در تلویزیون ایران، از طریق بررسی بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در سریال «فاصله‌ها» به اجرا درآمده است. با این رویکرد، ابتدا نظریه‌های بازنمایی با تأکید بر آراء استوارت هال مورد بررسی قرار گرفته است. سپس در ادامه، ذیل مبحث مکتب انتقادی و زندگی روزمره، از آراء هانری لفور در زمینه‌ی تبلیغ و صنعت فرهنگ، نظریه ایدئولوژیک آلتوسر (تعیین بخشی چندجانبه) و نظریه‌ی سیستم-زیست جهان هابرماس (استعمار زیست جهان) بهره برده شده است. همچنین به امکان کاربرد الگوی نظری هابرماس در نقد اجتماعی- سیاسی جامعه‌ی ایران نیز اشاره شده است. در این پژوهش با استفاده از روش نشانه-شناسی، بر مبنای الگوی جان فیسک در مطالعه متون تصویری، الگویی ترکیبی برای تحلیل متون ارائه می‌شود که ترکیبی از الگوهای کیت سلبی و ران کادوری همراه با الگوی رولان بارت است. مقوله‌های مورد نیاز برای بررسی متون و پاسخ به سؤالات پژوهش، از این الگوها استخراج و در فصل چهارم ارائه شده است.

نتایج نشان می‌دهد که در سریال «فاصله‌ها» بر اساس فن کلیشه سازی، برخوردی گزینشی و متعصبانه با زندگی روزمره‌ی جوانان صورت گرفته است و ضمن گروه‌بندی جوانان به سنتی و مدرن، مرز میان "ما" و "آنها" مشخص شده است. دیدگاه مسلط سریال پُر کردن فاصله‌ی ارزشی بین جوانان با هم-نسلان سنتی خود و پدرانِ آرمان‌گراست. سریال با تبلیغ فرهنگی علیه جوانان، آنها را در موضع ضعف قرار داده و قصد سازمان‌دهی زندگی روزمره‌ی آنان را دارد. از سوی دیگر شاهد هستیم که تحت تأثیر سیستم بر زیست جهان، کنش ارتباطی کنشگران جوان زندگی روزمره با هم‌نسلان خود و نهادهای اجتماعی دچار اختلال گشته و جالب آنکه هر کدام از نهادهای اجتماعی به شیوه‌ای مشابه با مسائل زندگی روزمره‌ی جوانان برخورد می‌کنند.

**کلید واژه‌ها:** بازنمایی، نشانه شناسی، زندگی روزمره‌ی جوانان، جوانان مدرن، جوانان سنتی، سیستم-زیست جهان.

## فهرست

### فصل اول:

- کلیات تحقیق ..... ۱
- ۱-۱- بیان مسئله ..... ۲
- ۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق ..... ۵
- ۱-۳- اهداف تحقیق ..... ۶
- ۱-۴- سؤالات تحقیق ..... ۶
- ۱-۵- تعاریف مفاهیم ..... ۷

### فصل دوم:

- ادبیات نظری تحقیق ..... ۱۰
- ۲-۱- پیشینه تحقیق ..... ۱۱
- ۲-۱-۱- تحقیقات داخلی ..... ۱۱
- ۲-۱-۲- تحقیقات خارجی ..... ۱۵
- ۲-۲- ترسیم خطوط کلی تحقیق ..... ۱۶
- ۲-۳- چارچوب نظری تحقیق ..... ۱۶
- ۲-۳-۱- تعریف بازنمایی ..... ۱۶
- ۲-۳-۲- استورات حال و نظریه‌ی بازنمایی ..... ۱۷
- ۲-۳-۳- دو استراتژی بازنمایی ..... ۲۱
- ۲-۳-۳-۱- کلیشه سازی ..... ۲۱
- ۲-۳-۳-۲- طبیعی سازی ..... ۲۳
- ۲-۳-۴- تلویزیون و بازنمایی ..... ۲۴
- ۲-۳-۵- تلویزیون و زندگی روزمره ..... ۲۶
- ۲-۳-۶- مکتب انتقادی و زندگی روزمره ..... ۲۸
- ۲-۳-۶-۱- آراء هانری لوفور و صنعت فرهنگ ..... ۳۰

- ۳۳ ..... ۲-۳-۶-۲- آلتوسر و دستگاههای ایدئولوژیک
- ۳۶ ..... ۳-۳-۶-۲- سیستم و زیست جهان هابرماس
- ۳۷ ..... ۱-۳-۶-۲- الگوی هابرماس و فضای اجتماعی- سیاسی ایران
- ۳۸ ..... ۷-۳-۲- زندگی روزمره جوان ایرانی
- ۴۰ ..... ۸-۳-۲- سبک زندگی و بیانات رهبر معظم انقلاب درباره‌ی سبک زندگی
- ۴۱ ..... ۹-۳-۲- ترکیب نظریه‌ی بازنمایی و زندگی روزمره

### فصل سوم:

- ۴۳ ..... روش تحقیق
- ۴۴ ..... ۱-۳- مقدمه
- ۴۸ ..... ۲-۳- سطوح تحلیل متون رسانه‌ای
- ۵۰ ..... ۱-۲-۳- بخش اول؛ الگوی سلبی و کادوری
- ۵۱ ..... ۲-۲-۳- بخش دوم؛ الگوی روایی بارت
- ۵۴ ..... ۳-۳- مقوله‌های تحقیق
- ۵۹ ..... ۴-۳- روش نمونه‌گیری
- ۶۰ ..... ۵-۳- روایی و پایایی
- ۶۱ ..... ۶-۳- روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

### فصل چهارم:

- ۶۳ ..... یافته‌های تحقیق
- ۶۴ ..... خلاصه داستان
- ۶۷ ..... ۱-۴- پاسخ پرسش اصلی: بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در سریال فاصله‌ها چگونه بوده است؟
- ۶۷ ..... ۱-۴-۱- پاسخ به پرسش اول فرعی: چه نسبتی در بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان و خانواده در سریال فاصله‌ها وجود دارد؟

- ۴-۱-۲- پاسخ به پرسش دوم فرعی: سریال فاصله‌ها کدام ویژگیهای اقتصادی، اجتماعی فرهنگی را در زندگی روزمره‌ی جوانان بازنمایی کرده است؟ ..... ۷۸
- ۴-۱-۲-۱- ویژگیهای اقتصادی ..... ۷۸
- ۴-۱-۲-۲- ویژگیهای اجتماعی - فرهنگی ..... ۸۸
- ۴-۱-۳- پاسخ به پرسش سوم فرعی: بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در سریال فاصله‌ها به لحاظ نگرش‌های سیاسی چگونه است؟ ..... ۹۳
- ۴-۱-۴- پاسخ به پرسش چهارم فرعی: بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان به لحاظ سبک زندگی و شاخص‌های آن در سریال فاصله‌ها چگونه است؟ ..... ۹۹
- ۴-۱-۵- پاسخ به پرسش پنجم فرعی: انگاره‌های ساخته شده از زندگی روزمره‌ی جوانان در سریال فاصله‌ها شامل چه عناصر محوری است؟ ..... ۱۰۷

### فصل پنجم:

- نتیجه‌گیری و پیشنهادها ..... ۱۱۴
- ۵-۱- نتیجه‌گیری ..... ۱۱۵
- ۵-۲- نقد و تفسیر ..... ۱۱۸
- ۵-۳- پیشنهادها ..... ۱۲۳
- ۵-۴- محدودیت پژوهش ..... ۱۲۴
- منابع و مأخذ ..... ۱۲۵
- پیوست‌ها و ضمائم ..... ۱۳۰



# فصل اول

## کلیات تحقیق

## ۱-۱- طرح مسئله

جهان اجتماعی در عصر ما بیش از آنکه جهان واقعیت‌های عینی و ملموس باشد، جهان واقعیت‌های ساخته شده و نمادین است. استوارت هال<sup>۱</sup> می‌گوید: بازنمایی نقطه شروع مطالعه فرهنگ است. از این رو، بر روی «بازنمایی» به مثابه یکی از پایگاه‌های تولید و تبادل معنا در فرهنگ متمرکز می‌شود (میرزایی، ۱۳۸۹، ص ۱۰).

در جهان معاصر، رسانه‌های عامه‌پسند از مهم‌ترین منابع فرهنگی در زندگی روزمره محسوب می‌شوند، از مهم‌ترین آن‌ها، تلویزیون است به این دلیل که تلویزیون رسانه‌ای قابل دسترس در اکثر خانه‌های کشورهای مختلف جهان است. فیسک می‌گوید: «تلویزیون برنامه‌هایی آکنده از معانی نهفته پخش می‌کند و می‌کوشد با مهار این معانی، آن‌ها را به معنایی یگانه‌تر و مرجح تبدیل کند، معانی که کارکرد جهان بینی غالب را داشته باشد» (فیسک، ۱۳۹۰، ص ۱۲۵). بودریار<sup>۲</sup> نیز به اضافه‌بار اطلاعات که رسانه‌های جمعی آن را بوجود آورده‌اند اشاره می‌کند، رسانه‌هایی که ما را با جریان بی‌پایان ایماژهای جذاب و شبیه سازانه رو به رو می‌سازند، به گونه‌ای که «تلویزیون جهان است» (فدرستون، ۱۳۹۰، ص ۱۹۲).

در این رساله، متن تحقیق محصولی از تلویزیون به نام سریال فاصله‌هاست. فاصله‌ها، آنگونه که از نام آن پیداست، سریالی است که وجود فاصله و تفاوت را در زندگی روزمره‌ی جوانان با اجتماع و خانواده به تصویر می‌کشد. در این سریال مسائل زندگی روزمره‌ی جوانان تحت تاثیر از سوی دو جبهه ارزشهای سنتی و مدرن است. مسائلی از جمله ازدواج، دوست‌یابی، روابط دختر و پسر جوان، نحوه رفتار با والدین، استقلال در زندگی فردی، پایبندی یا عدم‌پایبندی به ارزشهای سنتی نمونه‌ای از این دسته هستند. با توجه به مشاهدات اولیه محقق، در این سریال زندگی روزمره‌ی جوانان به گونه-

---

<sup>۱</sup>. Stuart Hall

<sup>۲</sup>. Jean Baudrillard

ای بازنمایی شده است که در رویارویی با سبک‌های جدید زندگی، جوانان دچار انحراف و لغزش می‌شوند و این سبک‌های جدید زندگی برای آنها، ناکارآمد و نایمن نشان داده می‌شوند. از دغدغه‌های مهم اکثر سکانس‌های سریال نشان دادن اختلاف بین جوانان با بزرگترهای خود است، بزرگترهایی که یک سر در سنت‌ها دارند و یک سر دیگر در گذشته‌ای سراسر ایدئولوژیک. اما این بازنمایی به گونه‌ای است که گویی جوانان و فرزندان عامل این اختلافات هستند و مسأله‌ی فاصله‌ی بزرگترها از جوانان به گونه‌ای مغفول می‌ماند. همچنین تحرک و پویایی زندگی روزمره‌ی جوانان نه به عنوان فرصت بلکه تهدیدی علیه خانواده، اجتماع و حتی در لایه‌های زیرین علیه دین نشان داده می‌شود و این در حالیست که زندگی جوانان موجّه سریال و ارتباطات روزمره‌ی آنها در سریال به گونه‌ای بی‌روح و منفعل و عاری از هر گونه اشتباه بازنمایی شده است. در نهایت می‌توان گفت که بازنمایی‌هایی که رسانه‌ها از مسایل، دیدگاه‌ها و جنبش‌های جوانان ارائه می‌دهند چندان مطابق با واقعیت نیست. به عقیده کوهن<sup>۱</sup> (۱۹۷۲) این بازنمایی‌های ایدئولوژیک رسانه‌ها منجر به تولید نوعی هراس اخلاقی<sup>۲</sup> می‌شود. تحت تأثیر سیاست‌های بازنمایی، جوانان با نمادها و رفتارهای متمایز و خاصی نشان داده می‌شوند که همین امر موجب شکل‌گیری ذهنیت مضطرب، منفی و یا مثبت نسبت به جوانان می‌شود.

زندگی روزمره‌ی جوانان ایرانی از ویژگیها و ارزش‌های فرهنگی خاصی نسبت به سایر گروه‌های سنی جامعه برخوردار است که در این میان رسانه‌ها نقش مهمی در شکل‌دهی به زیست جهان جوانان ایرانی در «عصر جدید» دارند. همان عصر جدیدی که «مارشال برمن»<sup>۳</sup> در توصیف آن می‌گوید: امروزه وجه خاصی از تجربه حیات... وجود دارد که همه مردان و زنان سراسر جهان در آن شریک‌اند و آن «تجربه مدرنیته» است (برمن، ۱۳۸۳، ص ۱۴). در واقع می‌توان گفت تأثیر مدرنیته بر زیست جهان انسان معاصر، محسوس و قابل تأمل است. همچنین از نظر زیمل<sup>۴</sup> در اعصار قدیم اشکالی که زندگی خلق می‌کرد در لحظه خلق شدنشان با آن سازگار بودند و انطباق داشتند. اما آهسته آهسته که این سازگاری و مطابقت از میان می‌رفت، زندگی پویا و خلاق شکل جدیدی می‌آفرید. لاجوردی نیز در کتاب بازنمایی زندگی روزمره در ایران مدرن، تأثیرات مدرنیته بر زندگی روزمره را چنین استدلال می‌کند: «تجربه زندگی روزمره، شامل تجربه مواجهه با ساخت‌های کلان نیز می‌شود. اگر مدرنیته را به معنای تغییر ساخت‌های کلان جامعه یا تغییر ایده‌های رایج در جامعه فرض

---

<sup>۱</sup> Stanley Cohen

<sup>۲</sup> Moral Panic

<sup>۳</sup> Marshall Berman

<sup>۴</sup> Georg Simmel

کنیم، تغییر هر دو سطح لاجرم در زندگی روزمره تاثیر می‌گذارد و باعث تغییر شیوه‌های سنتی حاکم بر زندگی و به کارگیری شیوه‌های مدرن زندگی می‌شود» (لاجوردی، ۱۳۸۸، ص ۱۴).

اما در چارچوب تجربه مدرنیته ایرانی، می‌توان گفت مدرنیته ایرانی، مدرنیته‌ای محلی و بومی است که مختصات ایرانی را داراست. همانگونه که ارمکی می‌گوید: مدرنیته ایرانی واقعیتی هر چند بد شکل و دارای تعارض در زندگی و اندیشه ایرانی در دوره جدید بوده اما منشاء بسیاری از تغییرات شده است (ارمکی، ۱۳۸۰، ص ۱۶). یکی از مهم‌ترین مظاهر این تغییر را می‌توان در نحوه زندگی جوانان به وضوح مشاهده کرد. جوانان در سده‌های پیشین فاقد زبان نمادین و نظام دلالت و نشانه بودند، زیرا این گروه فاقد موقعیت اجتماعی مخصوص به خود بود. در نتیجه ما در جامعه پیشین ایران فاقد تفکیک نسلی بودیم. اما امروزه این تفکیک نسلی را کاملاً مشاهده می‌کنیم (فاضلی، ۱۳۹۰، ص ۷۵). در حال حاضر اکثریت جمعیت ایران را جوانان تشکیل می‌دهند و این در حالیست که با توجه به تحولات همگون جامعه جهانی، زندگی جوانان ایرانی نیز شکل خاصی به خود گرفته است. امروزه جامعه ایرانی در میان قشر جوان خود شاهد بروز فرهنگها و رفتارهای جدیدی است که خواه ناخواه با الگوهای فرهنگی نسلهای پیشین تفاوت دارد و موجب بروز رفتارهای تعارض‌گونه در میان این قشر شده است. حال چیزی که در این پژوهش مهم می‌نماید چیستی آنچه هست که از خلال سریال‌ها و نمایش‌ها انتقال می‌یابد. تلقی محقق بر این است که احساس می‌شود در بازنمایی‌های تلویزیونی، برخی از جوانان مورد بی‌مهری قرار گرفته و در نتیجه طرد می‌شوند. از این‌روی با توجه به واقعیت ملموسی به نام زندگی‌روزمره‌ی جوان ایرانی، حال این سؤال مطرح می‌شود که تصویر در قالب سریال تلویزیونی از منظر کدامین اندیشه‌ی فرهنگی و یا ایدئولوژیکی به بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان دست می‌یازد؟

از میان برنامه‌های تلویزیونی، سریال‌های تلویزیونی بیش‌ترین مخاطبان را به خود جلب می‌کند. سریال فاصله‌ها نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. در واقع دریافت محصولات رسانه‌ها فعالیت روزمره، عادی و عملی است که افراد آن را به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی هر روزه خود به انجام می‌رسانند (تامپسون، ۱۳۸۹، ص ۵۰). در این پژوهش برای بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان، سریال فاصله‌ها انتخاب شده است. این سریال در تابستان سال ۸۹ از شبکه سوم سیما پخش شد و به استناد آمارهای سایت صداوسیما در زمره یکی از پربیننده‌ترین سریال‌های تلویزیونی قرار داشت. همچنین این سریال در بهار سال ۹۱ از شبکه I FILM بازپخش شد. سریال فاصله‌ها به کارگردانی

حسین سهیلی‌زاده<sup>۱</sup> بود. فیلمنامه‌ی سریال، مضمونی اجتماعی و ملودرام دارد که در آن به مسائل و مشکلات نسل جوان در رویارویی با چالش‌های زندگی مدرن پرداخته و با تأکید بر مسائلی همچون اختلاف و تفاوت نسلی داستان را روایت می‌کند. ماجرای سریال از این قرار است: سعید(شاهرخ استخری) به همراه ساسان (نیما شاهرخ‌شاهی) و دو دختر دیگر در حین گردش در جاده شمال تصادف می‌کنند. حاج محسن پدر سعید بعد از ماجرای تصادف متوجه رابطه‌ی سعید با دوستان ناباب می‌شود. از آن به بعد حاج محسن کنترل بیشتری بر روی سعید اعمال می‌کند که همین مسأله موجب بروز اختلافاتی بین پدر و پسر می‌شود. سعید علی‌رغم خواست پدر بر روابط خود با دوستانش ادامه می‌دهد و اختلاف زمانی به اوج خود می‌رسد که سعید با دختری به اسم بیتا دوست می‌شود و علی‌رغم مخالفت پدر و اطرافیان به رابطه‌اش با بیتا ادامه می‌دهد. خلاصه کلام اینکه سریال، تفاوت‌های فکری و ارزشی جوانان را نشانه رفته است، تفاوت‌هایی که در ایران معاصر می‌توان در اجتماع و خانواده‌ها مشاهده کرد. لذا برای پرداختن به چگونگی بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در تلویزیون، سریال فاصله‌ها از شبکه سوم سیما انتخاب گردید. این سریال همچنین در زمان پخش، موفق به جذب مخاطبان بسیاری از گروه‌های سنی مختلف به خصوص جوانان شده بود. در پژوهش حاضر، تکیه محقق بر شخصیت‌های جوان سریال می‌باشد و اینکه این جوانان چگونه زندگی خود را سپری می‌کنند و با چه مسایل و معضلاتی مواجه هستند؟ سوال مهمی که این پژوهش در پی پاسخ دادن به آن خواهد بود این است که زندگی روزمره‌ی جوانان در این سریال تلویزیونی چگونه بازنمایی شده است؟

## ۲-۱- ضرورت و اهمیت

توجه به دو مقوله اصلی در این پژوهش یعنی «زندگی روزمره‌ی جوانان به عنوان اکثریت جامعه-ی ایران» و «تلویزیون در جایگاه یک رسانه‌ی فراگیر و قدرتمند» به خوبی بیانگر ضرورت انجام این تحقیق است. رسانه‌های عامه‌پسند از جمله تلویزیون از وجوه اصلی زندگی روزمره در مدرنیته اخیر به شمار می‌آیند و بعنوان منبع اصلی اطلاعات، نقش خطیری در شکل دادن به پندارهای افراد درباره جهان پیرامونی‌شان دارند. از آنجائیکه تاکنون در رسانه‌ی ملی، مسائل مربوط به جوانان خصوصاً در قالب مجموعه‌های تلویزیونی چندان مجال خودنمایی پیدا نکرده است، لذا توجه به مجموعه‌هایی نظیر سریال فاصله‌ها که به نوعی از معدود سریال‌هایی است که به مسائل روزمره‌ی جوانان پرداخته

---

<sup>۱</sup> - حسین سهیلی‌زاده، کارگردانی را در سال ۱۳۸۱ در تلویزیون شروع کرد و امروز نام شناخته شده‌ای برای ساخت سریال‌های ملودرام می‌باشد. یکی از ویژگی‌های بارز سریال‌های سهیلی‌زاده پرداختن به مسائل جوانان می‌باشد از جمله این آثار: سریال پيله‌های پرواز، دلتوازان و اخيرا سریال فاصله‌ها است.

است مهم می‌نماید. شناخت و توصیف مسائل مربوط به زندگی روزمره‌ی جوانان و درک چگونگی بازنمایی مسائل و تناقضات زندگی جوانان در این سریال می‌تواند الگویی باشد برای کشف ارزش‌های فرهنگی غالب و اشاعه شده از تلویزیون. به عبارتی، شناخت نحوه‌ی بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در مجموعه‌های تلویزیونی به عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های تلویزیونی، نشان‌دهنده خط فکری و نگرش رسانه ملی به مسائل زندگی روزمره‌ی جوانان است. بررسی رابطه بین تلویزیون و بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان از آن حیث حائز اهمیت است که برنامه‌های تلویزیونی در راستای سیاست‌گذاری‌های رسانه‌ای سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی تولید و پخش می‌شوند. حال بررسی این مجموعه تلویزیونی به نوبه‌ی خود می‌تواند نمایانگر کیفیت بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در سیما جمهوری اسلامی ایران باشد و از رهگذر این بازنمایی می‌توان سیاست فرهنگی رسانه ملی در خصوص توجه به ابعاد گوناگون زندگی روزمره‌ی جوانان را شناخت.

### ۳-۱- اهداف تحقیق

- شناخت بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در سریال‌های تلویزیونی.
- کشف ارزش‌های فرهنگی غالب اشاعه شده از رسانه تلویزیون در خصوص زندگی روزمره جوانان ایرانی.
- ترسیم کیفیت بازنمایی تلویزیون از زندگی روزمره جوانان.

### ۴-۱- سؤالات تحقیق

#### سؤال اصلی:

- بازنمایی زندگی روزمره جوانان در سریال فاصله‌ها چگونه بوده است؟

#### سؤال‌های فرعی:

- چه نسبتی در بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان و خانواده در سریال فاصله‌ها وجود دارد؟
- سریال فاصله‌ها کدام ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی را در زندگی روزمره‌ی جوانان بازنمایی کرده است؟
- بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در سریال فاصله‌ها به لحاظ نگرش‌های سیاسی چگونه است؟
- بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان به لحاظ سبک زندگی و شاخص‌های آن در سریال فاصله‌ها چگونه است؟
- انگاره‌های ساخته شده از زندگی روزمره‌ی جوانان در سریال فاصله‌ها شامل چه عناصر محوری است؟

## ۵-۱- تعریف مفاهیم

در این پژوهش تعریف مفاهیم به تعاریف نظری محدود می‌گردد. مهم‌ترین مفاهیم کلیدی این تحقیق به صورت زیر تعریف شده است.

### زندگی روزمره<sup>۱</sup>

شاید بنیادی‌ترین مسئله برای جامعه‌شناسان و نظریه پردازان فرهنگ و رسانه‌ها در مبحث "زندگی روزمره"، مسئله‌ی ابهام بیش از اندازه این اصطلاح باشد. همان طور که فدرستون می‌گوید، زندگی روزمره «ظاهراً مقوله‌ای فرعی است که می‌توان همه‌ی خرده ریزه‌هایی را که با تفکر منظم جور در نمی‌آیند در آن ریخت» (بنت، ۱۳۸۶، ص ۷). آزاد ارمکی زندگی روزمره را با سیال بودن، بی-شکلی آن، جاری بودن، روزمره بودنش، حضور ممکن همه در آن، و امکان کنترل امور غیرقابل دستیابی تعریف می‌کند (کاظمی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۹).

اثبات شده است که در بین اغلب مفاهیم جامعه‌شناختی، تعریف مفهوم "زندگی روزمره" کار بی‌اندازه دشواری است. به نظر می‌رسد که علت، این باشد که زندگی روزمره زیست-جهانی است که مهیاگر زمینه‌ای غایی است که تمامی مفهوم پردازیه‌ها و تعاریف و روایت‌های ما از آن سرچشمه می‌گیرند (فدرستون، ۱۳۹۰، ص ۱۶۱). به بیان دیگر ویژگی فراگیر بودن و سیالیت (ماهیت نسبتاً ناپایدار) زندگی روزمره، که ویژگی هر امر فراگیری چند ساحتی بودن آن است و ویژگی هر پدیده سیالی فقدان روش مندی آن می‌باشد، موجب ابهام ذاتی مفهوم «زندگی روزمره» و عدم وفاق برداشت جامعه‌شناسان از آن شده است. با این وجود فدرستون در مقاله «زندگی روزمره و زندگی قهرمانی» (۱۳۹۰)، ویژگی‌هایی را نشان می‌دهد که با بیشترین فراوانی ملازم زندگی روزمره هستند: نخست، تأکیدی وجود دارد بر آنچه روزمره اتفاق می‌افتد، یعنی برنامه‌های یکنواخت و تجارب تکرار شونده بدیهی انگاشته شده و باورها و اعمال؛ جهان معمولی پیش پا افتاده‌ای که وقایع بزرگ و امور خارق العاده بر آن هیچ تاثیری ندارند. دوم، امر روزمره به مثابه سیطره بازتولید و نگهداری و منطقه ای ماقبل نهادی در نظر گرفته می‌شود که در آن فعالیت‌هایی اصلی صورت می‌گیرد که نگهدارنده جهانهای دیگر است، فعالیت‌هایی که به طور وسیع توسط زنان انجام می‌گیرد. سوم، تأکیدی وجود دارد بر زمان حال که مهیاگر معنایی غیر تأملی از غوطه ور شدن در آنیت تجارب و فعالیت‌های جاری است. چهارم، توجهی وجود دارد بر معنای ظاهری غیر فردی مجالست با یکدیگر در فعالیت‌های مشترک خودانگیخته بیرونی یا در شکاف‌های قلمروهای نهادی؛ تأکیدی بر شهوت رانی مشترک و مجالست با یکدیگر در معاشرت‌های سبک سرانه و بازیگوشانه. پنجم، تأکیدی وجود دارد بر دانش ناهمگن،

---

<sup>۱</sup>. Everyday Life

همه بی‌قاعده زبانهای بسیار؛ صحبت و «جهان جادویی صداها» را ارج بیشتری قایل می‌شوند تا یکنواختی نوشتار را (ص ۱۶۲).

فدرستون<sup>۱</sup> در ادامه اظهار می‌دارد که دامنه‌ای از ضد مفاهیم وجود دارد که می‌توان زندگی روزمره را در تقابل با آنها تعریف کرد و اساسی‌ترین این مفاهیم «زندگی قهرمانی» است. اگر زندگی روزمره حول محور امور پیش پا افتاده و بدیهی انگاشته شده و معمولی دور می‌زند، پس نشان زندگی قهرمانی، امتناع آن از این قاعده برای رسیدن به زندگی خارق العاده‌ای است که تهدیدی است نه فقط برای امکان بازگشت به اعمال یکنواخت روزمره بلکه مستلزم به خطر انداختن آگاهانه و عمدی خود زندگی است.

## جوانی

مفهوم جوانی که مربوط به تحولات صنعتی شدن و شکل‌گیری نهادهای مدرن اجتماعی است، به واسطه‌ی تحولاتی که در متن اجتماعی مدرنیسم واقع شده‌اند، تغییر یافته است. جوانی دیگر ضرورتاً دوره‌ای از زندگی و مرحله‌ای از رشد تلقی نمی‌شود. تلقی مقوله‌ای و آماری جوانی نیز بیانگر همه‌ی واقعیات جوانی نیست. جوانی دیگر یک محدوده (مرز) سنی نیست، بلکه می‌توان آن را نوعی نگرش نیز در نظر گرفت (ذکائی، ۱۳۸۶، ص ۷۲).

اما در این پژوهش از نظر سنی جوان به ۱۸ تا ۲۹ سال اطلاق می‌گردد. از نظر مفهومی نیز جوان ایرانی را کسی می‌نامیم که امروزه زندگی روزمره‌ی او تحت تاثیر از سوی الگوهای سستی و الگوهای مدرنی است که مدرنیته عامل بروز آن است.

## بازنمایی<sup>۲</sup>

این مساله که رسانه‌ها از سویی تا چه میزان قادر به بیان واقعیت‌اند و از سوی دیگر به چه اندازه آن را تحریف می‌کنند بحث قابل توجهی را در حوزه رسانه‌ها ایجاد کرده است. بحثی که تحت عنوان ((بازنمایی)) در ادبیات رسانه‌ای شناخته می‌شود.

از دیدگاه «استوارت هال»، ما جهان را از طریق بازنمایی می‌سازیم و بازسازی می‌کنیم. هال استدلال می‌کند واقعیت به نحو معنادار وجود ندارد و بازنمایی یکی از شیوه‌های کلیدی تولید معناست. معنا صریح و شفاف نیست و از طریق بازنمایی در گذر زمان یک دست باقی نمی‌ماند (مهدی زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۶). رسانه‌ها بر شناخت و درک عموم از جهان تاثیر می‌گذارند، به این معنا

<sup>۱</sup> . Mike Featherstone

<sup>۲</sup> . Representation



که آگاهی و ذهنیت مردم نسبت به جهان بستگی به محتوایی دارد که از رسانه‌ها در یافت می‌کنند. بر این اساس، بازنمایی ساخت اجتماعی واقعیت است (مهدی زاده، ۱۳۸۷، ص ۹). با ورود رسانه‌ها به زندگی اجتماعی و اهمیت یافتن آنها در مطالعات فرهنگی، مفهوم بازنمایی از سوی محققان این رشته مورد توجه قرار گرفت. چرا که شناخت و درک صحیح از این مفهوم از آنجایی حائز اهمیت است که امروزه بازنمایی کارکرد اساسی و بنیادین رسانه‌ها را تشکیل می‌دهد و اغلب بواسطه همین مفهوم است که دانش و شناخت مخاطبان رسانه‌ها از واقعیت‌های جهان خارج شکل می‌گیرد. رسانه‌هایی که با انتخاب و تفسیر واقعیات و در واقع دروازه‌بانی آنها توسط عواملی که از ایدئولوژی سرشارند، می‌کوشند تا تصویر مطلوب خود را از جهان پیرامون منعکس سازند.

### نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی در درجه اول با آفرینش معنا در متون: فیلم، برنامه‌های تلویزیونی و دیگر آثار هنری سروکار دارد. این علم نشان می‌دهد که نشانه چیست و نقش آن چیست. یکی از عام‌ترین تعریف‌ها از امبرتو اکو است که می‌گوید: «نشانه‌شناسی با هر چیزی که بتواند یک نشانه قلمداد شود سروکار دارد» (چندلر، ۱۹۷۶، ص ۷).

### کلیشه‌سازی<sup>۱</sup>

کلیشه‌سازی فرآیندی است که بر اساس آن، جهان مادی و جهان ایده‌ها در راستای ایجاد معنا طبقه‌بندی می‌شود تا مفهومی از جهان شکل گیرد که منطبق بر باورهای ایدئولوژیکی است که در پس کلیشه‌ها قرار گرفته‌اند. کلیشه‌ای کردن شخصیت‌ها عبارت است از تقلیل دادن، ذاتی کردن، آشنا کردن و تثبیت تفاوت و از طریق کارکرد قدرت، مرزهای میان «بهنجار» و «نکبت‌بار» ما و آنها را مشخص کردن است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۹).

### طبیعی‌سازی

در دستگاه بارت یکی از مهم‌ترین فرآیندهای ساخت اسطوره، طبیعی‌سازی است. در این فرآیند ساخت‌های اجتماعی، فرهنگی و تاریخمند به گونه‌ای عرضه می‌شوند که گویی اموری کاملاً طبیعی هستند و پدیده‌های تاریخی به صورت طبیعی جلوه داده می‌شوند. این فرآیند دارای کارکردی ایدئولوژیک است.

---

<sup>۱</sup>. Stereotyping

فصل دوم  
مبانی نظری تحقیق

## ۱-۲- بررسی تحقیقات پیشین

پژوهش در خصوص موضوع زندگی روزمره بسیار اندک است و ادبیات نظری در این حوزه با محدودیت روبرو است. با بررسی‌های به عمل آمده توسط محقق در زمینه‌ی منابع و متون مرتبط با بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان، مورد مشابهی که به متن تلویزیونی پرداخته باشد یافت نشد. اما تنها پژوهشی که در موضوع بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان صورت گرفته است پژوهش سهیلی است که با تاکید بر متون سینمایی در دانشکده علوم اجتماعی تهران انجام شده است. با این حال در ادامه پژوهش‌هایی را که حول موضوع زندگی روزمره تدوین شده‌اند و همچنین پژوهش‌های بازنمایی و نشانه‌شناسی که در حول متون تلویزیونی انجام شده‌اند را نیز ذکر می‌کنیم.

### ۱-۱-۲- تحقیقات داخلی

#### ۱. بازنمایی زندگی روزمره‌ی ایران مدرن با تأمل بر سینمای ایران.

هاله لاجوردی (۱۳۸۲) در رساله دکتری خود به راهنمایی تقی آزاد ارمکی در دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه تهران برای فهم زندگی روزمره‌ی ایران مدرن به بررسی فیلم‌های ملودرام دهه هفتاد سینمای ایران می‌پردازد. لاجوردی در این رساله با هدف توصیف و پروبلماتیزه کردن زندگی روزمره در ایران مدرن و با استفاده از آرای نظریه پردازان انتقادی زندگی روزمره، هانری لوفور و آگنس هلر و با روش تفسیر انتقادی قرائتی از زندگی روزمره‌ی به نمایش گذاشته شده در سینمای ایران دهه ۷۰ به دست داده است. به نظر این محقق، با بررسی تجربه زندگی روزمره ایرانیان، تجربه مدرنیته ایرانیان نیز بررسی می‌شود. لاجوردی با لحاظ کردن تاثیر انکارناپذیر س «نظام» بر «زیست جهان» به مطالعه‌ی همزمان وجوه سرکوب‌گر و رهایی‌بخش در دل زندگی روزمره ایرانیان پرداخته است. او انقلاب سال ۵۷ را مهم‌ترین رویداد تاریخی قلمداد می‌کند که جامعه ایران را وارد دیالکتیک مدرنیته کرد و آن را نقطه‌ی عطفی در تحولات مربوط به زندگی روزمره‌ی مردم ایران به حساب می‌آورد که ظرفیت‌های رهایی‌بخش بالقوه در زندگی روزمره ایرانیان را به فعل درمی‌آورد.

- نقد و بررسی: تحقیق هاله لاجوردی با توجه به اینکه در موضوع زندگی روزمره و حوزه‌ی مطالعات فرهنگی انجام گرفته است با تحقیق حاضر دارای مشابهت‌هایی است اما از نظر روش تحقیق و متن مورد بررسی دارای تفاوت است. تحقیق لاجوردی بر روی فیلم‌های سینمایی متمرکز است و با روش تفسیر انتقادی صورت گرفته است. او با تأسی از مسأله مرگ مؤلف، نویسنده و کارگردان را از صحنه خارج و با خود متن رویاروی می‌شود و ایده‌های قطعی و معانی مسلط را به چالش می‌کشد. اما تحقیق حاضر بر روی متن تلویزیونی تمرکز کرده و با استفاده از روش نشانه‌شناسی به بررسی نمونه‌ها می‌پردازد و مؤلف در بساختن ایده‌ها، حضوری فعال دارد.

## ۲. بازنمایی زندگی روزمره جوانان در سینما بانگاهی به چهار فیلم دهه ۸۰ سینمای ایران.

کمیل سهیلی (۱۳۸۹) در رساله کارشناسی ارشد خود با راهنمایی مسعود کوثری در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان در سینما پرداخته است. محقق در پژوهش ذکر شده برای بازنمایی زندگی روزمره‌ی جوانان با تاکید بر چهار عنصر خانواده، مذهب، دولت و عرف عام در زندگی روزمره‌ی جوانان پرداخته است. سهیلی در این پژوهش نشان داده شده است جوانان شکل خاصی از زندگی را انتخاب کرده‌اند و یا به آن تمایل دارند که مورد تایید عوامل چهارگانه مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و این امر زندگی آنها را دچار مشکل کرده است. همچنین نشان می‌دهد که اگر چه زندگی روزمره‌ی جوانان ایرانی همپای هم نسلان خود در سراسر جهان مدرن امروز شکل تازه‌ای به خود گرفته است منتها با دخالت دادن عوامل اساسی عرف عام،... و مذهب زندگی روزمره‌ی جوانان نتوانسته است پذیرای قوانین جامعه مدرن باشند.

- نقد و بررسی: تحقیق حاضر به جز در موضوع در سایر موارد از جمله نمونه‌گیری، روش و متن تحقیق با رساله‌ی سهیلی تفاوت دارد. تحقیق سهیلی بر متون سینمایی متمرکز است و با روش تفسیر انتقادی تحلیل شده است. اما تمرکز ما در تحقیق حاضر بر روی متون تلویزیونی است و بر آن هستیم که با نشانه‌شناسی زندگی روزمره‌ی جوانان به نقد دیدگاه ایدئولوژی رسمی در مورد زندگی روزمره‌ی جوانان که از طریق تلویزیون ارائه می‌شود بپردازیم.